

ابراهیم بیگزاده^۱

نگرشی بر کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی^(۱)

چکیده

تنوع فرهنگی به عنوان پدیده‌ای که ذاتی بشر است در همیشه تاریخ به گونه‌ای وجود داشته است. با این وجود پیشرفت‌های علمی، انقلاب اطلاعات از یک سو و جهانی شدن از سوی دیگر، این نگرانی را به وجود آورد که جهان به سوی یک امپریالیسم فرهنگی گام برمی‌دارد. برای جلوگیری از سلطه فرهنگی خاص، جامعه بین‌المللی پس از سال‌ها تلاش موفق شد کنوانسیون تحت عنوان «کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی» را در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ در یونسکو منعقد نماید. هدف عمده این کنوانسیون حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی به عنوان عاملی برای حفظ هویت افراد، گروه‌ها و ملت‌ها و همچنین عنصری اساسی در توسعه پایدار و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. کنوانسیون برای حفظ تنوع مظاهر فرهنگی تکالیفی را بر دولت‌ها بار کرده است که نه فقط خود آنها مکلف به اجرای آنها هستند، بلکه نهادهای ایجادشده توسط کنوانسیون و جامعه مدنی نیز در اجرای آنها مشارکت می‌کنند. کنوانسیون تنوع فرهنگی در واقع اولین سنگ بنای یک بنیان مرصوصی است که می‌تواند به عنوان آنتی‌تز در مقابل یکسان‌سازی فرهنگی، که هدفش از میان بردن شیوه‌های مختلف زیست (فرهنگ‌ها) است، عمل نماید. استقبال دولت‌ها از چنین سندی مثبت چنین نظری است. باشد که با حفظ تنوع فرهنگی شاهد جهانی مبتنی بر احترام به تکرار فرهنگی و در نهایت احترام به شأن و منزلت انسان‌ها باشیم.

واژگان کلیدی

کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی، تعهدات دولت‌ها، کنفرانس دولت‌های عضو کنوانسیون، صندوق بین‌المللی حمایت از تنوع مظاهر فرهنگی.

۱. دکتر ابراهیم بیگزاده، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی است.

«مباد که خانه و کاشانه‌ام بسته باشد و پنجره‌هایش مسدود!
 بگذار که فرهنگ همه ملت‌ها به خانه‌ام میهمان شوند، با من
 بمانند؛ اما هیچ یک مرا با خود نبرد.»

مهاتما گاندی

مقدمه

مراد از تنوع مظاهر فرهنگی، خلاقیت‌ها و نوآوری‌های افراد، گروه‌ها و جوامع مختلف با محتوای فرهنگی است که در قالب تولید، پخش و نشر فعالیت‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی بازتاب می‌یابند.

تنوع فرهنگی به عنوان «ویژگی ذاتی بشر»، برای حفظ بقا و جلوگیری از گزند روزگاران به هویت افراد، گروه‌ها، ملت‌ها و... در همیشه تاریخ به گونه‌ای وجود داشته است. تنوع فرهنگی خالق جهانی سرشار از ارزش‌های متنوع و خلاق بوده، عاملی بنیادین در توسعه پایدار کشورهاست؛ بدون آنکه فراموش شود که تنوع فرهنگی «زائیده دموکراسی، تساهل و عدالت اجتماعی میان ملت‌ها بوده، عاملی ضروری برای حفظ صلح و امنیت محلی، ملی و بین‌المللی می‌باشد. رعایت تنوع فرهنگی لازمه ایجاد محیط مناسب برای تحقق حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر می‌باشد.»^(۲)

تنوع فرهنگی از چنان درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که حقوق بین‌الملل حفظ آن را به عنوان مانعی برای مداخله در امور داخلی دولت‌ها لحاظ کرده است. ماده یک سند مؤسس یونسکو اشعار می‌دارد:

«برای حفظ استقلال، تمامیت ارضی و تنوع فرهنگ‌ها، سازمان حق مداخله در امور واقع در صلاحیت داخلی دولت‌های عضو را ندارد.»^(۳)

با ظهور پدیده جهانی‌شدن و انقلاب اطلاعات و «گذار از دنیای انزوای فرهنگی به

دنیای دیگری^(۴) به نظر می‌رسید که جهان در قلمرو فرهنگ، بایستی بازگشتی قهقراپی، به دوران حاکمیت حقوق بین‌الملل کلاسیک یعنی عنصر تحمیل سلطه فرهنگی داشته باشد. این نظر به‌ویژه در پرتو خطر عدم توازن میان جهان توسعه‌یافته و جهان در حال توسعه بیشتر تقویت می‌شود. عجباً! که این نیز همچون بسیاری از پدیده‌های روزگاران ما سرانجامی دگر یافت. عصر جهانی‌شدن نه فقط منجر به نفی تنوع فرهنگی نشد بلکه آن را نیز تعمیق بخشید؛ به طوری که می‌توان این دوران را عصر تعمیق تنوع فرهنگی نامید.^(۵)

بی‌شک حفظ و ارتقای تنوع فرهنگی در سطح جهان مدیون تلاش‌های بیش از سه دهه یونسکو است. یونسکو از بدو تأسیس خود یکی از اولویت‌هایش را مطالعه فرهنگ، کثرت‌گرایی و توسعه آن قرار داد. اولین تلاش در این زمینه از سال ۱۹۷۰ با برگزاری کنفرانس بین‌الدولی و نیز در مورد سیاست‌های فرهنگی آغاز شد، سپس این کنفرانس‌ها طی سالیان متمادی ادامه یافت^(۶) که در آن میان کنفرانس ۱۹۹۸ استکهلم در مورد سیاست‌های فرهنگی برای توسعه نقطه عطفی در روند پذیرش تنوع فرهنگی محسوب می‌شود. این کنفرانس موفق به تصویب یک «برنامه اقدام»^(۷) گردید، که در آن ضمن توجه وافر به صنایع فرهنگی، این نظر مطرح شد که «کالاها و خدمات فرهنگی باید مورد شناسایی قرار گیرند و نحوه برخورد و رفتار با آنها نباید مشابه سایر کالاها و خدمات باشد»^(۷) از این پس جهان شاهد ابتکارات دولتی، بین‌الدولی و غیردولتی فراوانی است که جملگی بیانگر وجود اراده‌ای سیاسی در جهت ایجاد یک سند بین‌المللی در مورد تنوع فرهنگی می‌باشند. البته این خواست جهانی نتوانست در مرحله اول در قالب یک سند الزام‌آور تبلور یابد، بلکه حاصل تلاش اعلامیه‌ای بود که یونسکو در سال ۲۰۰۱ تصویب نمود. کنفرانس عمومی یونسکو در ۲ نوامبر ۲۰۰۱ موفق شد «اعلامیه جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی»^(۸) و برنامه اقدام^(۹) آن را با اجماع تصویب کند. مهم‌ترین ره‌آورد این سند اعلام تنوع فرهنگی به‌عنوان «میراث مشترک بشریت»^(۱۰) می‌باشد. در ضمن پایه‌های اصلی یک کنوانسیون در مورد تنوع فرهنگی

نیز در قالب اصول این اعلامیه بیان شدند. طبق این اعلامیه:

- کالاهای و خدمات فرهنگی همانند سایر کالاها و خدمات نیستند.

- هر دولت باید سیاست فرهنگی خود و نحوه اجرایش را مشخص کند.

- باید همکاری و همبستگی بین‌المللی به منظور ایجاد صنایع فرهنگی پایدار و ماندنی تقویت شوند.

- در سیاست‌های کلی فرهنگی به مشارکت بخش‌های عمومی، خصوصی و جامعه مدنی با یکدیگر اهمیت داده شود.

- دفاع از تنوع فرهنگی یک الزام اخلاقی و پدیده‌ای لاینفک از کرامت و منزلت انسانی است.

اما آنچه مهم می‌نماید اینکه این اعلامیه در ماده ۱۲ خود از یونسکو می‌خواهد که تلاش‌های هنجارگرای خود را ادامه دهد؛ در ضمن برنامه اقدام این اعلامیه نیز دولت‌ها را متعهد می‌کند که به تأملات خود برای دستیابی به یک سند حقوقی بین‌المللی در مورد تنوع فرهنگی ادامه دهند.^(۱۱) البته باید متذکر شد که در این راه (تدوین یک سند حقوقی الزام‌آور) نهادهای دولتی، بین‌الدولی و غیردولتی بسیاری نیز یونسکو را یاری رساندند، که در این میان می‌توان به «شبکه بین‌المللی سیاست فرهنگی»^(۱۲)، «کارگروه تنوع فرهنگی و جهانی‌شدن»^(۱۳)، «ائتلاف‌ها برای تنوع فرهنگی»^(۱۴)، «کمیته بین‌المللی ارتباط»^(۱۵)، «شورای اروپا»^(۱۶) و «سازمان بین‌المللی فرانکفونی»^(۱۷) اشاره کرد.

همان‌طور که کنفرانس استکهلم منجر به تصویب اعلامیه یونسکو در مورد تنوع فرهنگی شد، باید گفت که کنفرانس ژوهانسبورگ در تابستان ۲۰۰۳ نیز نقطه عطفی در ایجاد لابراتواری بین‌المللی بود که حاصلش کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی شد. طبق مصوبه این کنفرانس شورای اجرایی یونسکو در سال ۲۰۰۳ تصمیم گرفت که یک مطالعه مقدماتی در مورد ابعاد فنی و حقوقی یک سند الزام‌آور در مورد تنوع فرهنگی را آغاز نماید. در طول این مطالعه چهار گزینه:

- یک سند جدید در مورد حقوق فرهنگی؛
- یک سند در مورد وضعیت هنرمندان؛
- پروتکل جدیدی منضم به موافقت‌نامه فلورانس؛^(۱۸)
- پروتکل تنوع محتواهای فرهنگی و مظاهر هنری.
مطرح شدند.^(۱۹)

شورای اجرایی سرانجام گزینه چهارم (پروتکل تنوع محتواهای فرهنگی و مظاهر هنری) را انتخاب و از مدیرکل یونسکو خواست که آن را به کنفرانس عمومی یونسکو اعلام نماید.^(۲۰) کنفرانس عمومی در اکتبر ۲۰۰۳ تصمیم گرفت که مسأله تنوع فرهنگی در قالب «حمایت از تنوع محتواهای فرهنگی و مظاهر هنری» موضوع یک کنوانسیون بین‌المللی شود و از مدیرکل خواست که پیش‌نویس چنین سندی را برای اکتبر ۲۰۰۵ (اجلاس بعد کنفرانس عمومی) آماده نماید.

حاصل تلاش کارگروه مدیرکل در نوامبر ۲۰۰۴ تسلیم دولت‌ها شد تا نظر خود را اعلام نمایند. در ضمن مذاکرات کارشناسان دولت‌ها نیز از سپتامبر ۲۰۰۵ بر روی متن مزبور آغاز شد. در میان کشورهای شرکت‌کننده آمریکا به علت مخالفت دائم و شدید خود با انعقاد کنوانسیونی در مورد تنوع فرهنگی عملاً منزوی شده بود و در این مرحله فقط ژاپن از آن کشور حمایت می‌کرد. علل عمده مخالفت آمریکا به ظاهر ترس از تداخل کنوانسیون تنوع فرهنگی با دیگر اسناد لازم‌الاجرای بین‌المللی^(۲۱)، جلوگیری از انعقاد سندی در یونسکو با ابعاد اقتصادی و تجاری در قلمرو فرهنگ، رد پذیرش تعهد برای همکاری بین‌المللی و بالاخره امتناع از پذیرش تدابیر حمایتی بودند.

در مقابل احتمال شکست تلاش‌ها، رئیس کنفرانس^(۲۲) مداخله کرده، متنی به عنوان «متن رئیس» تهیه شد که بیانگر تمایل اکثریت اعضا بود. این متن مبنای مذاکرات اجلاس‌های بعدی کارشناسان قرار گرفت. در این میان آمریکا و این بار همراه با اسرائیل سیاست مخالفت سازمان یافته خود را همچنان دنبال می‌کردند. این مذاکرات به‌رغم مخالفت آمریکا و مدیرکل

یونسکو^(۲۳) با موفقیت به پایان رسیدند و در انتها مقرر شد متن کنوانسیون همراه با یک توصیه‌نامه برای تصویب به کنفرانس عمومی یونسکو ارسال شود.

پیش‌نویس کنوانسیون در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۵ توسط شورای اجرایی یونسکو به کمیسیون فرهنگی ارائه شد تا آن را به کنفرانس عمومی ارائه دهد. در جلسه کنفرانس عمومی تقریباً کلیه سخنرانان نظر موافق خود را با تصویب کنوانسیون اعلام داشتند؛ بعضی از آنان این موافقت را از سوی گروه‌ها و نهادها مانند گروه ۷۷، گروه کشورهای آفریقایی، اتحادیه اروپا... ابراز نمودند. سرانجام متن نهایی «کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی» در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ توسط سی‌وسومین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو با ۱۴۸ رأی موافق در برابر ۲ رأی مخالف (آمریکا و اسرائیل) و ۴ رأی ممتنع (استرالیا، هندوراس، نیکاراگوئه و لیبریا) به تصویب رسید. باید گفت این سند که حاصل یک فرآیند سخت مذاکراتی است، در واقع یکی از پایه‌های مهم «حقوق بین‌الملل فرهنگی» می‌باشد.^(۲۴)

طبق ماده ۲۹، این کنوانسیون سه ماه بعد از تودیع سی‌امین سند تصویب، تنفیذ، پذیرش یا الحاق لازم‌الاجرا می‌گردد. باید گفت که این کنوانسیون با استقبال شایان توجهی مواجه شد. چون که این سند تقریباً در فاصله یک‌سال اسناد تصویب مورد نیاز برای لازم‌الاجرا شدن خود را کسب نمود. بدین ترتیب که سی‌امین سند تصویب در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۶ تسلیم مدیرکل یونسکو (به‌عنوان امین کنوانسیون) شد و بنابراین کنوانسیون از ۱۸ مارس ۲۰۰۷ لازم‌الاجرا شده است.^(۲۵) این کنوانسیون در حال حاضر (۲۱ ژانویه ۲۰۰۸) توسط ۷۸ کشور و یک سازمان منطقه‌ای (اتحادیه اروپا) تصویب شده است.^(۲۶)

با لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون این سؤال مطرح است که چه تعهداتی طبق این سند بر دولت‌ها بار می‌شوند و اینکه ماهیت این تعهدات چیست؟ آیا ادعای آمریکا مبنی بر تجاری بودن این کنوانسیون مقرون به صحت می‌باشد؟ در ضمن سؤال دیگر آنکه چگونه این تعهدات اجرا می‌شوند؟ آیا کنوانسیون سازوکار بدیعی را در این قلمرو به ارمغان آورده است؟ به همین دلیل است که در این بررسی مختصر ابتدا نگاهی به مهم‌ترین تعهدات دولت‌ها انداخته می‌شود و سپس نحوه اجرای آنها مطمح‌نظر قرار می‌گیرد.

۱. اهداف و تعهدات دولت‌ها

کنوانسیون ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ یونسکو در مورد حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی قبل از بیان تعهدات دولت‌ها اهدافی را ترسیم نموده است که دولت‌های عضو باید برای دستیابی به آنها تعهدات پیش‌بینی شده را برعهده گرفته، انجام دهند.

الف) اهداف

اهداف کنوانسیون پیش‌گفته ایجاد شرایط مساعد برای شکوفایی فرهنگ‌ها، تشویق به گفتگوی فرهنگ‌ها به منظور تضمین تبادلات فرهنگی، آگاهی‌یافتن از ارزش تنوع مظاهر فرهنگی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی، تأیید و تصدیق مجدد حاکمیت دولت‌ها در تصویب و اجرای سیاست‌ها و تدابیری که برای حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی ضروری می‌دانند و بالاخره تقویت همکاری و همبستگی بین‌المللی در قالب مشارکت دولت‌ها با یکدیگر به‌ویژه همکاری و همبستگی برای افزایش ظرفیت‌های کشورهای در حال توسعه برای حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی خود می‌باشد.^(۲۷) کنوانسیون در مقابل حاکمیتی که برای دولت‌ها جهت تصویب و اجرای سیاست‌های فرهنگی و اتخاذ تدابیری ضروری برای حمایت و ارتقای تنوع فرهنگی و تقویت همکاری بین‌المللی برای نیل به اهداف خود شناخته است، تعهداتی را نیز برای دولت‌ها پیش‌بینی کرده است.

ب) تعهدات دولت‌ها

کنوانسیون ۲۰۰۵ یونسکو تعهداتی را برای دولت‌ها در جهت حمایت و ارتقای تنوع فرهنگی لحاظ نموده است که طبق آنها دولت‌ها موظفند:

- در سرزمین خود شرایط لازم را برای تشویق افراد و گروه‌های اجتماعی جهت خلق، تولید و توزیع مظاهر فرهنگی خویش و امکان دستیابی به آنها را فراهم کنند؛
- دسترسی به مظاهر فرهنگی متنوع موجود در سرزمین خود و همچنین دسترسی به

مظاهر فرهنگی دیگر کشورهای جهان را امکان پذیر نمایند؟

- در سرزمین خود اقدام‌های لازم و تدابیر مناسب را برای حمایت و حفاظت از مظاهر فرهنگی که با خطر نابودی یا تهدید جدی مواجه‌اند انجام دهند، و گزارشی از اقدام‌های انجام‌شده و تدابیر متخذه را به کمیته بین‌الدولی ارائه کنند؛

- هر چهار سال یک‌بار گزارشی حاوی اطلاعات لازم در مورد تدابیر متخذه برای حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی در سرزمین خود و خارج از آن به یونسکو ارائه نمایند. دولت‌ها در واقع مبادرت به تبادل اطلاعات در مورد حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی می‌کنند؛

- شناساندن و تفهیم اهمیت حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی را، به‌ویژه از طریق برنامه‌های آموزشی تسهیل نموده، توسعه بخشند و برای تحقق یافتن این هدف با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای همکاری کنند؛

- مشارکت فعال جامعه مدنی را به منظور نیل به اهداف کنوانسیون تشویق نمایند؛
- همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی را به‌منظور ایجاد شرایط مناسب برای ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی به کار گیرند؛

- از همکاری برای توسعه پایدار و فقرزدایی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، برای ایجاد یک بخش فرهنگی پویا، تقویت صنایع فرهنگی، تقویت ظرفیت تبادل اطلاعات، ارائه تجربیات و آموزش نیروی انسانی، انتقال تکنولوژی و مهارت‌های لازم از طریق اتخاذ و اجرای تدابیر مناسب و حمایت مالی در این کشورها و به‌خصوص ایجاد یک صندوق بین‌المللی برای تنوع مظاهر فرهنگی حمایت و دفاع کنند؛

- توسعه مشارکت میان بخش‌های عمومی، خصوصی و سازمان‌های غیردولتی را به‌منظور همکاری با کشورهای در حال توسعه برای تقویت ظرفیت‌های آنها در حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی مورد تشویق و ترغیب قرار دهند؛

- تبادلات فرهنگی میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را در قالب نهادهای حقوقی مناسب و از طریق اعمال رفتارهای ترجیحی نسبت به هنرمندان، افراد شاغل در

بخش فرهنگی، اموال و خدمات فرهنگی کشورهای در حال توسعه تسهیل نمایند؛
- با تبادل اطلاعات و کارشناسی در مورد جمع‌آوری داده‌ها، آمارها و روش‌های بهینه
مربوط به تنوع مظاهر فرهنگی موافقت کنند؛

- مشارکت مالی اختیاری و ارادی را برای اجرای کنوانسیون عهده‌دار شوند و برای
ایجاد یک نظام مالی مناسب با یکدیگر همکاری کنند؛

- اهداف و اصول این کنوانسیون را در سایر نهادهای بین‌المللی مورد حمایت و
تشویق و ترغیب قرار دهند. برای نیل به این منظور، آنها در صورت لزوم با یکدیگر مشورت
می‌نمایند. (۲۸)

نگاهی اجمالی به این تعهدات دولت‌ها نشان می‌دهد که برخلاف ادعای ایالات
متحده آمریکا این تعهدات فاقد ماهیت تجاری به معنای اخص آن می‌باشند و بیشتر تعهداتی
هستند که مبتنی بر حسن‌نیت دولت‌ها می‌باشند، یعنی تعهداتی هستند که دستیابی به نتیجه
مشخص و معینی را مدنظر ندارند. به عبارت دیگر این تعهدات مبتنی بر «شرط به فعل» هستند
و می‌خواهند تا دولت‌ها تلاش‌های واقعی را برای نیل به اهداف معین شده انجام دهند. به
دیگر سخن، می‌توان گفت الزام دولت‌ها به اجرای این تعهدات از منظر حقوقی بسیار سخت
می‌نماید و اجرای آنها در واقع نیازمند یک اراده سیاسی از سوی متعاهدین می‌باشد تا هم در
سطح ملی و هم در عرصه جهانی قابلیت اجرایی یابند. اگرچه به ظاهر تعهدات موجود در این
سند مستلزم انجام دو دسته اقدام در سطح داخلی و بین‌المللی هستند، مع‌هذا باید اذعان نمود
که حداقل تعداد قابل توجهی از این تعهدات در آن واحد مستلزم انجام اقدام در سطوح ملی و
بین‌المللی می‌باشند.

۲. اجرای تعهدات دولت‌ها

اجرای تعهدات پیش‌بینی شده در کنوانسیون ۲۰۰۵ در مورد حمایت و ارتقای تنوع
مظاهر فرهنگی شکل نسبتاً بدیعی را نشان می‌دهد. اجرای آنها در سه سطح:

- دولت‌ها

- نهادهای پیش‌بینی شده در کنوانسیون

- جامعه مدنی

قابل مشاهده است، در حالی که اجرای تعهدات بین‌المللی معمولاً برعهده دولت‌ها یا ارکان متشکل از آنهاست.

الف) اجرای تعهدات توسط دولت‌ها

اجرای تعهدات توسط دولت‌ها تابعی از نظام حقوق داخلی آنهاست. بنابراین در غالب موارد رکن ذی‌صلاح در اجرای تعهدات بین‌المللی قوه مجریه دولت‌هاست. البته اجرای دقیق و درست تعهدات از سوی این رکن از حاکمیت مستلزم نظارت می‌باشد. این نظارت به‌ویژه در کشورهایی که قوه مجریه از قدرت زیادی در تفسیر گستره تعهدات برخوردار است امری ضروری می‌باشد. این‌گونه نظارت‌ها معمولاً از سوی سایر ارکان حاکمیت یعنی قوای مقننه و قضائیه اعمال می‌گردد. برای نمونه در جمهوری اسلامی ایران این نظارت می‌تواند در قالب سؤال از رئیس‌جمهور و وزیر^(۲۹) یا تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی اعمال شود.^(۳۰)

علاوه بر نظارت داخلی، نظارت در برخی از مناطق جهان در قالب نهادهای منطقه‌ای اعمال می‌شود. در این مورد می‌توان برای مثال به پارلمان اروپا و مجمع پارلمانی شورای اروپا اشاره نمود. به‌نظر می‌رسد که برای اعمال یک نظارت دقیق و هماهنگ در سطح جهان، برای اجرای تعهدات بین‌المللی به‌طور عام و تعهدات مندرج در کنوانسیون تنوع مظاهر فرهنگی به‌طور خاص، بتوان از اتحادیه بین‌المللی بین‌المجالس استفاده کرد. این نهاد با ایجاد کمیته‌های ملی پارلمانی می‌تواند امکان نظارت بهتر و هماهنگ‌تری را بر اجرای تعهدات بین‌المللی دولت‌ها فراهم نماید.

به‌رغم وجود نظارت‌هایی بر اجرای تعهدات دولت‌ها، باید گفت که قبول و اجرای

تعهدات از سوی آنها می‌تواند در زمان با نوسانات و عدم ثبات مواجه باشد، زیرا که اجرای این تعهدات در واقع تابعی از منافع و توجهی است که مقامات و احزاب در قدرت برای آن تعهدات قائل می‌شوند. برای مثال، آمریکا تا قبل از به قدرت رسیدن جمهوری خواهان در سال ۱۹۸۰ به رهبری ریگان، به‌طور کلی با کارهای سومین کنفرانس ملل متحد در مورد حقوق دریا و جهت‌گیری قواعد مندرج در متن‌های مذاکراتی موافق و یا حداقل مخالفتی نمی‌کرد، اما با پیروزی ریگان و به قدرت رسیدن حزب جمهوری خواه کاملاً موضع آن کشور تغییر و مخالفت شدید خود را با پیش‌نویس کنوانسیون و سرانجام با متن نهایی ابراز نمود. حال با گذشت نزدیک به سه دهه از تاریخ تصویب این کنوانسیون (۱۰ دسامبر ۱۹۸۲) باید گفت که رفته‌رفته شاهد نرمش‌هایی در مواضع این کشور نسبت به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا مشاهده می‌شود.^(۳۱) همین وضعیت ممکن است در مورد کنوانسیون تنوع مظاهر فرهنگی تکرار شود. همان‌طور که قبلاً (مقدمه) اشاره شد آمریکا در حال حاضر به شدت با این کنوانسیون مخالفت می‌کند، اما معلوم نیست که این مخالفت حداقل با این شدت بتواند تداوم داشته باشد. به دلیل همین تغییر مواضع دولت‌ها در اجرای تعهدات بین‌المللی، کنوانسیون‌های اخیر تصویب نهادهای دیگری را نیز برای اجرای تعهدات مندرج در خود پیش‌بینی می‌نمایند، که این خود امری میمون و مبارک می‌نماید. از جمله کنوانسیون‌هایی که نهادهای دیگری را هم برای اجرای تعهدات خود پیش‌بینی کرده است کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی است. در این کنوانسیون نه فقط دولت‌ها، بلکه نهادهای پیش‌بینی شده در خود کنوانسیون و به‌ویژه جامعه مدنی نیز در اجرای تعهدات پیش‌بینی شده نقش‌آفرینی می‌کنند.

(ب) اجرای تعهدات توسط ارکان پیش‌بینی شده در کنوانسیون

به نظر می‌رسد نهادهایی که می‌توانند در بلندمدت مؤثرترین نقش را در اجرای کنوانسیون تنوع فرهنگی داشته باشند ارکانی باشند که توسط خود کنوانسیون تنوع مظاهر

فرهنگی ایجاد شده‌اند؛ زیرا بیانگر اراده جمعی دولت‌های متعاقد هستند.
کنوانسیون تنوع مظاهر فرهنگی سه رکن را ایجاد کرده است:

۱. کنفرانس دولت‌های عضو کنوانسیون

طبق ماده ۲۲ کنوانسیون یک کنفرانس متشکل از دولت‌های عضو کنوانسیون به‌عنوان رکن فراگیر و عالی کنوانسیون تشکیل می‌شود. این رکن هر دو سال یک‌بار تشکیل جلسه می‌دهد. اجلاس این نهاد باید حتی‌المقدور همزمان با برگزاری کنفرانس عمومی یونسکو باشد.^(۳۲)
البته کنفرانس می‌تواند جلسات فوق‌العاده هم داشته باشد و آن در صورتی است که حداقل یک سوم اعضا چنین تقاضایی را تقدیم کمیته بین‌الدولی نمایند.

کنفرانس وظایفی به شرح زیر برعهده دارد:

- انتخاب اعضای کمیته بین‌الدولی؛

- دریافت و بررسی گزارش‌های اعضا که توسط کمیته بین‌الدولی به آن ارائه شده‌اند؛

- تصویب قواعد راهبردی برای اجرای کنوانسیون که به پیشنهاد کنفرانس توسط کمیته

بین‌الدولی تهیه می‌شوند. برای تهیه این قواعد حداقل دو سال وقت لازم است؛ چون پس از تشکیل کمیته بین‌الدولی توسط کنفرانس، این کمیته دو سال زمان دارد که قواعد تهیه شده را برای تصویب به کنفرانس ارائه نماید. بنابراین لازم است کنفرانس دولت‌های عضو در پایان جلسه خود و پس از تشکیل دادن کمیته بین‌الدولی انجام چنین کاری را از آن بخواهد. در غیر این صورت و با توجه به اینکه کنفرانس هر دو سال یک‌بار تشکیل می‌شود، این خطر وجود دارد که تهیه و تأیید این قواعد چهار سال به طول بینجامد، مگر آنکه تقاضای تشکیل جلسه فوق‌العاده کنفرانس شود، که این امر بعید می‌نماید.

۲. کمیته بین‌الدولی^۱

طبق ماده ۲۳ کنوانسیون یک کمیته بین‌الدولی برای حفاظت و حمایت از تنوع مظاهر

فرهنگی تشکیل می‌شود. این رکن دارای ۱۸ عضو است که برای مدت چهار سال توسط کنفرانس دولت‌های عضو انتخاب می‌شوند. با توجه به اینکه کنوانسیون از ۱۸ مارس ۲۰۰۷ لازم‌الاجرا شده است و هنوز بیش از نیمی از کشورهای جهان به آن نپیوسته‌اند، بنابراین به نظر نمی‌رسد که بتوان معیار «توزیع متصفانه جغرافیایی» را در انتخاب اعضا دقیقاً رعایت کرد. (۳۳)

البته طبق ماده ۲۳ بند ۴ در صورتی که اعضای کنوانسیون به پنجاه دولت برسند تعداد اعضای کمیته به ۲۴ نفر افزایش خواهد یافت. حال که تعداد اعضای کنوانسیون از مرز ۵۰ کشور گذشته است (۷۸ کشور عضو کنوانسیون هستند)، تعداد اعضای کمیته به ۲۴ نفر افزایش می‌یابد. مع‌ذلک باید متذکر شد که تحقق دقیق معیار توزیع متصفانه جغرافیایی منوط به آنست که دولت‌های عضو از مناطق مختلف و متنوع جغرافیایی باشند.

کمیته بین‌الدولی دارای وظایفی به شرح زیر است:

- حمایت از اهداف کنوانسیون و تشویق و تضمین اجرای آن؛
 - تهیه و به تصویب رساندن قواعد راهبردی در مورد اجرای مقررات کنوانسیون؛
 - ارائه گزارش دولت‌های عضو کنوانسیون به کنفرانس دولت‌های عضو همراه با نظرات خود و خلاصه‌ای از محتوای آنها؛
 - تهیه و تدوین آیین‌ها و سایر سازوکارهای مشورتی به منظور ارتقای اجرای اهداف و اصول کنوانسیون در سایر نهادهای بین‌المللی؛
 - تصمیم‌گیری در مورد منابع صندوق براساس رهنمودهای کنفرانس دولت‌های عضو؛
 - قبول مشارکت‌های مالی و سایر اشکال کمک؛
 - انجام سایر وظایفی که کنفرانس عمومی به آن رکن واگذار می‌کند.
- کمیته در اجرای وظایف خود می‌تواند از مشورت نهادهای عمومی، خصوصی و حتی اشخاص حقیقی استفاده کند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود کنوانسیون حاوی قواعدی در مورد ساختار داخلی

کمیته بین‌الدولی از جمله هیأت رئیسه آن نیست. طبیعی است که خود کمیته باید قواعدی را در این خصوص تهیه و به تصویب کنفرانس عمومی برساند.

آنچه مسلم است اینکه کمیته بین‌الدولی در اجرای وظایف خود به طور عمده تحت نظارت و رهنمودهای کنفرانس دولت‌های عضو می‌باشد.

کنوانسیون دبیرخانه خاصی برای کنوانسیون لحاظ ننموده است، بلکه طبق ماده ۲۴ آن کارهای دبیرخانه‌ای توسط دبیرخانه یونسکو انجام می‌شود. دبیرخانه یونسکو مدارک و اسناد مورد نیاز کنفرانس دولت‌های عضو و کمیته بین‌الدولی و همچنین دستور کار جلسات این ارکان را تهیه می‌کند و به آنها در اجرای تصمیماتشان کمک کرده، گزارشی در مورد اجرای تصمیمات تنظیم می‌نماید.

۳. صندوق بین‌المللی برای حمایت از تنوع مظاهر فرهنگی^۱

برای ارائه کمک‌های چندجانبه به کشورها به‌ویژه به کشورهای جهان سوم که تنوع فرهنگی آنها با خطر نابودی و یا تهدیدهای جدی روبه‌رو است یک صندوق بین‌المللی برای حمایت از تنوع فرهنگی در ماده ۱۸ کنوانسیون پیش‌بینی شده است. این سازوکار در واقع مکمل کمک مستقیم به کشورها برای حفظ و حمایت از تنوع مظاهر فرهنگی‌شان است. منابع این صندوق از طریق مشارکت ارادی دولت‌های عضو کنوانسیون، منابع اختصاص‌یافته توسط کنفرانس عمومی یونسکو و سایر دریافتی‌ها از دولت‌ها، سازمان‌ها و برنامه‌های نظام ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی و نهادهای عمومی و خصوصی و اشخاص حقیقی، منابع جمع‌آوری شده از طریق فعالیت‌های انجام‌شده به نفع صندوق و بالاخره سایر منابع مجاز پیش‌بینی شده در مقررات صندوق تأمین می‌شوند.

باتوجه به اینکه مشارکت دولت‌ها در سرمایه صندوق ارادی می‌باشد بهتر است پیش‌بینی شود که هر دولت که کنوانسیون را تصویب می‌کند میزان مشارکت مالی خود را نیز

1. Le Fonds International Pour la Diversité culturelle

مشخص نماید. ضمن آنکه می‌توان از مشارکت جوامع مدنی متشکل از هنرمندان و کمک دست‌اندرکاران و شاغلان بخش‌های فرهنگی نیز بهره جست.

مالی دارد، که این نیاز اغلب در کشورهای جهان سوم احساس می‌شود، مشکلی پیش نیاید و اجرای آن حتی المقدور امکان‌پذیر شود. (۳۴)

به‌رغم وجود دولت‌ها و نهادهای متشکل از آنها برای اجرای تعهدات پیش‌بینی‌شده، کنوانسیون از مشارکت جامعه مدنی نیز در اجرای خود بهره جسته است.

۴. اجرای تعهدات توسط جامعه مدنی

همان‌طور که قبلاً مشاهده شد دولت‌ها مکلفند که مشارکت جامعه مدنی را برای حفظ، حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی تشویق و تسهیل کنند. اگرچه کنوانسیون مفهوم جامعه مدنی را مشخص نمی‌کند. اما به نظر می‌رسد که این جامعه شامل افراد، انجمن‌ها، تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی و به‌طور کلی کلیه نهادهای واسط میان افراد و دولت‌ها باشد. در جریان مذاکرات مربوط به انعقاد کنوانسیون حمایت از تنوع فرهنگی تعدادی از سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان ناظر مشارکت داشتند. اگرچه باید گفت میزان مشارکت نهادهای مدنی کشورهای توسعه یافته در محافل و کنفرانس‌های بین‌المللی معمولاً بیشتر است، اما در قلمرو حفظ و حمایت از تنوع مظاهر فرهنگی بیش از نیمی از سازمان‌های غیردولتی شرکت‌کننده در مذاکرات از کشورهای در حال توسعه بودند. البته گاهی منافع و نظرات مطروحه در تعارض با یکدیگر قرار داشتند، اما سرانجام این منافع و نظرات هم‌سو شده، توانستند در یک سند واحد یعنی کنوانسیون حمایت از تنوع مظاهر فرهنگی تجسم و عینیت یابند. ممکن است که نهادهای مدنی در مرحله اجرای کنوانسیون به اشکال مختلفی نقش‌آفرینی کنند، به‌ویژه آنکه عمده اعضای نهادهای مدنی شرکت‌کننده از شاغلان و دست‌اندرکاران بخش‌های مختلف فرهنگی از جمله تولیدکنندگان کالاها فرهنگی بودند و کمتر از مصرف‌کنندگان این‌گونه کالاها و نهادهای معرف آنان در این مذاکرات شرکت داشتند.

به همین دلیل به نظر می‌رسد آموزش این نهادها و افکار عمومی برای درک ضرورت حفظ، حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی ضروری باشد.

نقش جامعه مدنی در اجرای تعهدات کنوانسیون را می‌توان در دو سطح ملی و بین‌المللی مشاهده کرد:

- یکی از شروط مهم در اجرای مؤثر کنوانسیون حمایت از تنوع فرهنگی در سطح ملی دستیابی و دریافت اطلاعات دقیق و مهم از دولت‌هاست. جامعه مدنی برای کسب این اطلاعات می‌تواند نقش مهمی ایفا کند.

دولت‌ها معمولاً به دلایلی از جمله محرمانه بودن (البته به زعم خودشان) از ارائه اطلاعات طفره رفته یا حتی خودداری می‌کنند، اما از آنجا که آنها مکلفند درک اهمیت حمایت و حفاظت از تنوع مظاهر فرهنگی را از طریق برنامه‌های آموزشی و حساس نمودن افکار عمومی بسط و توسعه دهند. لذا نهادهای جامعه مدنی می‌توانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن مبادرت به آگاه نمودن اعضای خود از محتوی کنوانسیون و طرق اجرای آن کنند. در ضمن این نهادها با آگاهی از نحوه اجرای تعهدات از سوی دولت‌ها و نقش خود در اجرای آنها می‌توانند طرف مشورت ارکان پیش‌بینی شدن در کنوانسیون قرار گیرند. برای مثال کمیته بین‌الدولی می‌تواند در هر زمان از نهادهای عمومی و خصوصی و حتی اشخاص حقیقی دعوت نماید تا در جلسات آن به منظور مشورت در مسائل خاص شرکت نمایند. (۳۵)

- اگرچه نهادهای جامعه مدنی، در درجه اول نقش خود را در اجرای کنوانسیون در سطح داخلی و ملی ایفا می‌کنند، اما این مانع از آن نیست که آنها در سطح بین‌المللی برای اجرای کنوانسیون فعالیت نمایند.

در سال‌های اخیر نیاز به هماهنگی میان سازمان‌های غیردولتی داخلی فعال در قلمرو حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی در کشورهای مختلف بیشتر احساس شده است. به همین دلیل تلاش برای ایجاد یک کنفدراسیون متشکل از چنین سازمان‌هایی آغاز شده است. ایجاد این نوع تشکل‌ها در جامعه بین‌المللی بی‌سابقه هم نیست. برای مثال در قلمرو اجرای

اساسنامه دیوان بین‌المللی کبفیری ائتلافی با بیش از ۲۰۰۰ سازمان غیردولتی از سراسر جهان به وجود آمده است که تلاش عمده آن وقف اجرای هرچه گسترده‌تر و مؤثرتر این سند مهم می‌شود.

دو دلیل برای ایجاد چنین نهادی در قلمرو حمایت و ارتقا از تنوع مظاهر فرهنگی وجود دارد:

- نابرابری سطح سازمان جامعه مدنی در جهان و ضرورت کمک به بسیاری از کشورها در این قلمرو؛

- ضرورت توسعه مفاهیم و نگرش‌های مشترک به منظور واداشتن دولت‌ها به حمایت از اهداف و اصول کنوانسیون در سایر نهادهای بین‌المللی؛

مبنای چنین تلاشی را هم می‌توان در ماده ۱۲ بند ۳ کنوانسیون یافت که همکاری دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی دولت‌ها را به منظور ایجاد شرایط مناسب برای تشویق و حمایت از تنوع مظاهر فرهنگی و به‌ویژه تقویت مشارکت با نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی و فیما بین خود آنها پیش‌بینی کرده است.^(۳۶)

در پایان باید به این نکته مهم اشاره کرد که کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی هیچ سازوکار حقوقی برای حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای کنوانسیون پیش‌بینی نکرده است. طبق ماده ۲۵ کنوانسیون اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون ابتدا از طریق مذاکره حل و فصل می‌شوند، در صورت عدم حل آنها از طریق مذاکره، طرفین می‌توانند با توافق به مساعی جمیله (پایمردی^۱) یا میانجی‌گری ثالث متوسل شوند. اگر مساعی جمیله یا میانجی‌گری ثالث انجام نشد یا بی‌نتیجه ماند، هر یک از طرفین می‌تواند اختلاف را به سازش ارجاع دهد. طرفین اختلاف پیشنهادهای کمیسیون سازش را با حسن نیت مورد بررسی قرار می‌دهند.

در این مورد چند نکته را باید متذکر شد:

- اولاً کنوانسیون سازوکارهای حقوقی را برای حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون پیش‌بینی نکرده است، اما این به معنای آن نیست که توسل به چنین سازوکارهایی ممنوع است، بلکه طرفین اختلاف با توافق یکدیگر می‌توانند به چنین سازوکارهایی از جمله داوری متوسل شوند.

- ثانیاً هیچ‌یک از نتایج حاصل از سازوکارهای پیش‌بینی شده در کنوانسیون الزامی نمی‌باشد، به‌ویژه آنکه دولت‌ها در هنگام تصویب، پذیرش، تنفیذ یا الحاق به کنوانسیون می‌توانند با صدور اعلامیه‌ای آیین سازش را نپذیرند.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا به‌رغم الزامی نبودن سازوکارهای سیاسی مانند سازش، این نوع سازوکارها پیش‌بینی شده‌اند. در یک پاسخ ابتدایی شاید بتوان گفت که منافع دولت‌ها در تعارضات فرهنگی، برعکس اختلافات تجاری، خیلی واضح و هویدا نیست. اما آیا این دلیل قانع‌کننده‌ای است؟ در حالی که تعداد قابل توجهی از معاهدات بین‌المللی منعقد شده از ابتدای دهه شصت قرن بیستم سازوکار سازش را پیش‌بینی کرده‌اند.^(۳۷)

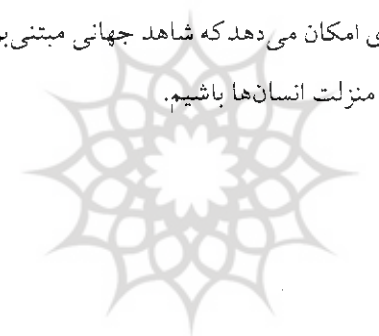
امید آن است که دولت‌ها از حق خود در عدم پذیرش سازوکار سازش استفاده نکنند. روند پیوستن دولت‌ها تا به حال بارقه‌ای از این امید را می‌نماید، چون که هیچ‌یک از آنها اعلامیه‌ای در خصوص عدم پذیرش سازش صادر نکرده‌اند. عدم اعمال این حق از سوی دولت‌ها می‌تواند امکان موفقیت کنوانسیون را در اجرا بیشتر کند.^(۳۸)

نتیجه‌گیری

بدیهی است که این نگاه گذرا و اجمالی به کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی نمی‌تواند کلیه مسائل و مشکلات فراروی اجرای کنوانسیون را مطرح کند. در این مختصر فقط به پاره‌ای از آنها اشاره شد. امید است با استقبال و اشتیاقی که دولت‌ها در تصویب این کنوانسیون از خود نشان داده‌اند در عمل هم اجرای آن با موفقیت همراه باشد. البته اجرای دقیق کنوانسیون تابعی از سیاست‌های فرهنگی است که هر دولتی، طبق

کنوانسیون، حق دارد اتخاذ نماید. مع‌ذک در اتخاذ این سیاست‌ها به مسائلی چند از جمله حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، امکان دسترسی به ابزار تولید، پخش و توزیع فرآورده‌های فرهنگی با توجه به تحولات تکنولوژیک و نحوه رفتار با بازیگران بخش‌های مختلف فرهنگی چه در سطح ملی و چه در عرصه جهانی را مطمئن‌نظر قرار دهند.

کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی در واقع اولین پایه بنیان مرصوصی است که می‌تواند به‌عنوان آنتی‌تز در مقابل یکسان‌سازی فرهنگی، که حاصل تغییر تدریجی شیوه‌های زیست مختلف است، قرار گیرد و اجازه ندهد سرنوشتی محتوم فرهنگ‌ها و مظاهر متنوع آنها را به کام نیستی برده، فرهنگی واحد، هر چند با ارزش را بر کل جهان حاکم گرداند. این بنای در حال شکل‌گیری امکان می‌دهد که شاهد جهانی مبتنی بر احترام به تکثر فرهنگی و در نهایت احترام به شأن و منزلت انسان‌ها باشیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

1. La Convention Sur la Protection et la Promotion de la Diversité des Expressions Culturelles.

۲. رجوع شود به پیش‌گفتار کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی.
۳. بیگزاده، ابراهیم، شهنواز کلینی و منیژه یاقوتی، منیژه (۱۳۸۲)، «حقوق سازمان‌های بین‌المللی: جلد اول، سازمان‌های جهانی»، تهران: انتشارات مجده، ص. ۵۳۵.
۴. لوکلر، ژرار (۱۳۸۲)، «جهانی‌شدن فرهنگی آزمونی برای تمدن‌ها»، مترجم: کامران سعید، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص. ۷.
۵. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۴)، «تأملی بر تنوع فرهنگی در حقوق بین‌الملل»، سالنامه ایرانی حقوق بین‌المللی و تطبیقی، شماره ۱، گنج دانش و نشر دادآفرین، صص. ۱۰۷-۱۲۵.
۶. مهم‌ترین کنفرانس‌هایی که برگزار شد عبارتند از:
 - ۱۹۸۲: کنفرانس جهانی مکزیکو در مورد سیاست‌های فرهنگی.
 - ۱۹۸۸: اعلام دهه ۱۹۸۸-۱۹۹۷ به‌عنوان دهه جهانی برای توسعه فرهنگی.
 - ۱۹۹۲: ایجاد کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه متشکل از کارشناسان مستقل به ریاست آقای خاویر پرز دکوتیار (دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد از ۱۹۹۱-۱۹۸۱).
 - ۱۹۹۸: کنفرانس بین‌الدولی استکهلم در مورد سیاست‌های فرهنگی برای توسعه.
 - ۷. کالاها و خدمات فرهنگی به دلیل داشتن ماهیت غیرمادی immatériel باید به گونه‌ای دیگر مورد توجه قرار گیرد. برای مطالعه بیشتر در این مورد رجوع شود به:

Ruiz-Fabri Hclén "Etatdes Négociations de la Convention sur la Protection de la Diversité des Expressions Culturelles et Perspectives Pour la Troisième Session d'Experts Intergouvernementaux", Note Pour l'Agence Intergouvernementale de la Francophonie, 7 pages.

8. Déclaration Universelle de l'UNESCO Sur la Diversite Culturelle, 2 November 2001.

این اعلامیه در ۱۲ ماده تصویب شده است.

9. Lignes Essentielles d'un Plan d'Action Pour la Mise en Ouvre de la Déclaration de l'UNESCO Sur la Diversité Culturelle

برنامه اقدام برای اجرای اعلامیه یونسکو در مورد تنوع فرهنگی در ۲۰ بند تنظیم و نحوه اجرای اعلامیه مزبور توسط دولت‌ها را بیان می‌دارد.

10. Patrimoine Commun de l'Humanité یا Common Héritage of Mankind

ماده یک اعلامیه تنوع فرهنگی را میراث مشترک بشریت اعلام کرده است.

۱۱. رجوع شود به بند یک برنامه اقدام برای اجرای اعلامیه یونسکو در مورد تنوع فرهنگی.

12. Réseau International Sur la Politique Culturelle

نهادی است که به ابتکار کانادا ایجاد شده است و در آن وزرای فرهنگ کشورها به بحث و گفتگو می‌پردازند.

13. Groupe de Travail Sur la Diversité Culturelle

این کارگروه از سال ۱۹۹۹ در درون شبکه بین‌المللی سیاست فرهنگی ایجاد شده است و کارش تأمل بر روی سیاست‌های فرهنگی به نفع تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن می‌باشد.

14. Coalitions Pour la Diversité Culturelle

در حال حاضر ۲۷ ائتلاف در کل جهان وجود دارد که حدود ۳۰۰ سازمان حرفه‌ای را در قلمرو فرهنگ گرد هم آورده‌اند.

15. Comité International de Liaison

این نهاد برای تسهیل تبادلات و ایجاد مواضع مشترک در سال ۲۰۰۳ توسط ائتلاف‌ها برای تنوع فرهنگی ایجاد شده است.

16. Conseil de l'Europe

کمیته وزیران شورای اروپا در دسامبر ۲۰۰۰ اعلامیه‌ای در مورد تنوع فرهنگی تصویب نمود.

17. L'organisation Internationale de Francophonie

سازمان بین‌المللی فرانکفونی که به‌طور عمده متشکل از دولت‌های فرانسوی‌زبان است از همان ابتدای بحث‌های مربوط به تنوع فرهنگی به این امر توجه نموده است. این سازمان در اجلاس ۱۹۹۳ در موريس قطعنامه‌ای در مورد «استثنای فرهنگی و گات» به تصویب رساند.

۱۸. موافقت‌نامه فلورانس مورخ ۱۹۵۰ در مورد واردات لوازم آموزشی، علمی یا فرهنگی است.

۱۹. رجوع شود به مدرک 166-Fix/28.

۲۰. عدت درخواست ارسال نظر شورای اجرایی به کنفرانس عمومی آن است که کلیه اسناد الزام‌آور باید به تصویب کنفرانس عمومی یونسکو برسد. این نهاد هر دو سال یک‌بار تشکیل جلسه می‌دهد.

۲۱. البته عده‌ای بر این عقیده بودند که تنوع فرهنگی با برخی از قلمرو (مانند مالکیت فکری، تجارت و...) تلافی دارد. مذاکرات بعدی نشان دادند که تعارضی وجود ندارد. برای مثال اقدام‌های یونسکو درخصوص رابطه میان تنوع فرهنگی و حمایت از مالکیت فکری از یک همانندی و عدم تلافی میان این دو حکایت می‌کنند. برای مطالعه بیشتر درخصوص رابطه میان تنوع فرهنگی و مالکیت فکری، تجارت جهانی... رجوع شود به:

- Ruiz-Fabri Héléne "étude du 29 Mars 2004", 19 pages.

- Bernier Ivan "Le Lien Entre Une Future convention Internationale Sur la Diversité Culturelle et les Autres Accords Internationaux", étude Réalisée Pour la Canada-Québec, 27 Juin 2003, 9 pages.

۲۲. رئیس کنفرانس آقای قادر آسمان Kader Asmal وزیر سابق آموزش و پرورش آفریقای جنوبی بود.

۲۳. عدت مخالفت مدیرکل یونسکو آن بود که نامبرده در پی کسب اجماع بود، یعنی تلاش می‌کرد متنی تنظیم گردد که مورد مخالف صریح و رسمی هیچ کشوری از جمله آمریکا قرار نگیرد.

۲۴. برای مطالعه بیشتر در مورد پیشینه کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی رجوع شود به:

- Dumesnil Catherine "La Diversité culturelle a' l'UNESCO: Histoire d'une Convention Internationale", 21 Septembre 2006, in <http://www.diplomatic.gouv.fr>, 10 pages.

- Bernier Ivan "Opportunité de l'élaboration d'un Instrument Normatif International concernant la Diversité Culturelle", étude Réalisée a' la Demande de l'Agence Intergouvernementale de la Francophonie, Québec, Canada, Aout 2003, 13 pages.

۲۵. رجوع شود به:

"Le Cap Des trente Ratifications est Maintenant Franchi a l'UNESCO" in Communiqué du Ministère des Relations Internationales, Québec, 2007.

۲۶. رجوع شود به:

Textes Normatifs, Convention Sur la Protection et la Promotion de la Diversité des Expressions Culturelles, Paris, 20 Octobre, 2005, in: unesco.org.

۲۷. رجوع شود به ماده یک کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی. این کنوانسیون در ماده ۲ خود

اصولی را نیز بیان نموده است که عبارتند از اصل:

۱. احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی.

۲. حاکمیت.

۳. برابری منزلت و احترام کلیه فرهنگ‌ها.

۴. همبستگی و همکاری بین‌المللی.

۵. تکمیلی بودن ابعاد اقتصادی و فرهنگی توسعه (فرهنگ به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی توسعه از

همان اهمیتی برخوردار است که ابعاد اقتصادی توسعه برخوردارند).

۶. توسعه پایدار

۷. دسترسی منصفانه

۸. عدم ایجاد مانع برای ورود فرهنگ‌های دیگر و ایجاد تعادل.

۲۸. برای تعهدات دولت‌ها رجوع شود به مواد ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۱ کنوانسیون

برای تحلیل برخی از تعهدات دولت‌ها در کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی رجوع شود به:

- Bernier Ivan "Avant-Projet de convention sur la Protection de la Diversité des contenus Culturels et des Expressions Artistiques": Analyse et Commentaire, 18 pages.

- Ruiz-Fabri Hélène "Analyse et Commentaire Critique de L'avant-Projet de Convention sur la Protection de la Diversité des Contenus Culturels et des Expressions Artistiques Dans la Version Soumise Pour Commentaires et Observations Aux Gouvernements des Etats Membres

de L'UNESCO". étude Réalisée a' la Demande de l'Agence Intergouvernementale de la Francophonie". Août 2004, 35 pages.

- Ruiz-Fabri Héléne "Analyse du Texte Consolidé d'avant-Projet de Convention sur la Protection de la Diversité des Expressions Culturelles établi por la Président de la Réunion Intergouvernementale", Note Pour l'Agence Intergouvernementale de la Francophonie, Mai 2005, 14 pages.

- Bernier Ivan, Ruiz-Fabri "La Mise en Oeuvre et le Suivide la convention de l'UNESCO sur la Protection et la Promotion de la Diversité Culturelles in, Perspectives d'action, Québec, Canada, 2006, 30 pages.

۲۹. رجوع شود به اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳۰. رجوع شود به اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳۱. البته این «نرمش» بیشتر ناشی از تغییراتی بود که توسط موافقت‌نامه منضم به بخش یازدهم کنوانسیون یعنی بخش مربوط به «میراث مشترک بشریت (منطقه)» وارد شد.

۳۲. کنفرانس عمومی یونسکو هر دو سال یک‌بار و در سال‌های فرد تشکیل می‌شود که آخرین آن در سال ۲۰۰۷ برگزار شد.

۳۳. در مورد الزام به رعایت معیار «توزیع منصفانه جغرافیایی» رجوع شود به ماده ۲۳ بند ۵ کنوانسیون تنوع مظاهر فرهنگی.

۳۴. برای مطالعه بیشتر در مورد صندوق بین‌المللی برای حمایت از تنوع فرهنگی رجوع شود به:

- Bernier Ivan "Un Aspect Important de la Mise Enoeuvre de la Convention Sur la Protection et la Promotion de la diversité des Expressions culturelles: Le fonds International Pour la Diversité Culturelle, 20 pages.

۳۵. رجوع شود به ماده ۲۳ بند ۷ کنوانسیون. در ضمن نقش جامعه مدنی در نیل به اهداف کنوانسیون نباید

فراموش شود.